

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً

مِنْ لَيْسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کنه!

او زما امر (درسالت) راته آسان کنه! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي."

اکتوبر 2016

ذوالحجّة 1437

شماره دو صد و سی

مسائل فقهی

فتوا:

رسالت آمده و یا استنباط از منقول شده است توضیح میدهد .

1 - مفتی آنچه را از صاحب رسالت آمده است ابلاغ می کند .

2 - مفتی به مقام رسول الله صلی الله علیه وسلم قائم بوده و به اساس نظر خود تعریف و انشاء احکام را میکند از این ناحیه مفتی حیثیت شارع را داشته متابعت وی واجب می باشد و باید مطابق نظریه وی عمل شود .

خلاصه این که مفتی آنچه از حضرت خداوند سبحانه و تعالی بر پیامبرش آمده آنرا خبر میدهد و شریعت را به اساس افعالش شرح میدهد پس امر مفتی در بین امت نافذ بوده به اساس اینکه خلافت میکند از نبی بدین دلیل مفتی ها بلقب «أولی الأمر ملقب اند» .

امام القرافی رحمه الله در مقام مفتی می نویسد :

« ترجمان عن الله تعالی » ترجمان خداوند متعال (احکام فی تمیز الفتاوی عن الأحکام : ص : 43) .

امام ابن القیم رحمه الله می نویسد که : (مفتی آنچه از جانب خداوند آمده آنرا می گوید و شرح میدهد) . وی در مقدمه کتاب خود بنام « اعلام

الموقعین عن رب العالمین » می نویسد : (مفتی

فتوا ناحیه تطبیقی و عملی فقه اسلامی بوده نتایج و مبادی نظری احکام اسلامی را نشان میدهد . همچنان فتوا قابلیت تطبیق و مصلحت فقه را در یک واقعه که حدوث یا پیش شدن آن غیر قابل انتظار باشد بیان میکند و مصدر مهم در فهم نصوص فقهی در واقعات و حوادثی که حدوث و وقوع آن در هر وقت متوقع باشد می باشد .

اهمیت فتوا و مقام مفتی :

امام شاطبی رحمه الله می نویسد که : (المفتی قائم فی الأمة مقام النبی صلی الله علیه وسلم * مفتی در بین امت قائم مقام پیامبر صلی الله علیه وسلم است . الموقوفات : 4 - 244 , 245) و این امر به دلایل ذیل است :

اول - در شریعت : حدیث شریف است که میگوید : (إن العلماء ورثة الأنبياء * علماء وارثین انبیاء هستند .

دوم - مفتی نائب پیامبر صلی الله علیه وسلم در تبلیغ احکام است .

سوم - مفتی به حیث شارع در بین امت میباشد , زیرا مفتی آنچه را از شریعت بصورت منقول از صاحب

فتوا /

قائم مقام رسول بوده و نمیتوان قدر و منزلت ویرا نادیده گرفت.)

امام ابو حنیفه رضی الله عنه در مقام مفتی می نویسد: (من تکلم فی شیء من العلم و هو یظن أن لا یسألہ الله عنه , کیف أفتیت فی دین الله ؟ فقد سهلت علیه نفسه و دینه * کسیکه در چیزی از علم سخن بزند و گمان کند که خداوند از وی این سؤال را نمیکند که در دین خدا چگونه فتوا می داد نفس و دین بروی آسان می باشد) . (مناقب ابی حنیفه للموفق المکی, ص: 43) .

امام ابن القیم در کتابش بنام اعلام الموقعین می نویسد که: (دادن فتوا بدون علم در دین خدا حرام می باشد) .

اهلیت مفتی :

مفتی که پیغام خدا را میرساند و آنرا شرح میدهد و در مقام رسول صلی الله علیه وسلم در تبلیغ احکام شریعت می باشد و احکام را حسب نظریه و اجتهاد خود معرفی میکند باید اهلیت خاص داشته باشد تا صاحب مقام افتاء گردد.

اول — اهلیت علمی :

مفتی در عرف علمای اصول فقه عبارت از مجتهد است . باید شخص مجتهد شروط عمومی اجتهاد را داشته باشد و در تمام علوم اسلامی معرفت کامل داشته باشد و در احکام از کتاب خدا یعنی قرآن اطلاع کامل داشته و بسیاری از سنت مطهره را بداند و همچنان مسائل اجماع و مصادر تشریح غیر از قرآن و سنت را بداند مثل: قیاس, استحسان استصحاب, مصالح مرسله, مذهب صحابی, سد ذرائع و ابواب علم اصول دیگر را و معرفت کامل به علوم حدیث, معرفت کامل بزبان عربی مثل: نحو, صرف, علوم سه گانه بلاغت « معانی, بیان و بدیع » و همچنان عالم به مقاصد شریعت و معرفت به زندگانی مردم باشد.

امام شافعی رضی الله عنه چنانچه الخطیب روایت نموده در مقام و اهلیت مفتی می نویسد: (هیچکس حق ندارد در دین خدا فتوا بدهد مگر اینکه عارف-عالم- به کتاب خدا باشد و ناسخ و منسوخ, محکم, متشابهه تأویل و تنزیل, آیات مکی و آیات مدنی را بداند و با شأن نزول آیات آگاه باشد . بعد از آن باید در مورد حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم

ناسخ و منسوخ آن دانا باشد و حدیث را چنان بداند که قرآن را میداند و باید به زبان و به شعر و به علمیکه قرآن بدان احتیاج دارد آگهی داشته باشد و انصاف را در تطبیق و استعمال همه علوم ذکر شده رعایت کند و کمتر حرف بزند و با دانستن همه این علوم, اختلاف اهل ولایات (علماء) را در قضایا بداند و اگر همه این صفات را داشت حق دارد در موضوع حلال و حرام سخن بزند و فتوا بدهد و اگر اهل صفات فوق نباشد حق ندارد حرف بزند در علم و حق ندارد فتوا بدهد) (الفقیه و المتفقه / 2: 157) .

در صفات مفتی اضافه می کنند که مفتی باید در بین مردم عصر خود به صواب و معرفت, معروف بوده و شهادت دادن معاصرین وی نسبت به علم وی مهم است. شهادت دادن علمای معاصر در اهلیت مفتی مهم است چنانچه امام مالک می گوید:

(فتوا ندادم تا اینکه هفتاد عالم شهادت ندادند که من اهل فتوا هستم) امام مالک اضافه میکند که: (جواب سؤال کسی را ندادم تا سؤال نکردم کسیکه از من عالمتر بود مثل یحیی بن سعید الأنصاری, ربیعہ را. باید انسان خود را اهل چیزی نداند تا اینکه سؤال نکند کسی را که از وی عالم تر است) (الفقیه و المتفقه / 2: 154) .

دوم — اهلیت دینداری و تقوی :

مفتی باید انسان با تقوی و صالح و دارای لیاقت مقام افتاء باشد تا مردم قولش را قبول و به حرفش گوش بدهند و مرجع سؤال کننده گان باشد .

از حضرت علی روایت شده که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال نمودم: یا رسول الله اگر برای ما یک موضوع پیش شود و بیان امر و نهی آن نباشد ما را به چه امر میکنید؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم جواب داد: « شاوروا فیہ الفقهاء و العابدین * مشوره کنید فقهاء و مردم عابد را » (روایت نموده الطبرانی در معجمه الأوسط و الهیثمی در مجمع الزوائد / 1: 178 و صحت گذاشته السیوطی در مفتاح الجنه ص: 40) .

در سنن الدرामी جلد اول صفحه 49 آمده که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال شد که: اگر یک موضوع پیش

فتوا /

آمد و در کتاب خدا و سنت رسول الله جواب آن نبود چه باید کرد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم جواب داد: «ینظر فیه العابدین من المؤمنین* یعنی مؤمنین عابد در آن موضوع نظر بدهند یا آنرا مطالعه فرمایند».

اما کسیکه بدون علم و تقوی و دینداری خود را مفتی معرفی کند و حرف بزند باید از طرف حاکم مسلمان منع شود. در شرع شریف آمده که اگر کسی خود را طیب معرفی کند و علم طب را نداند برای مریض اذیت میرسد و باید از طرف مردم منع شود زیرا باعث اذیت مردم میشود. بعضی علماء می گویند که زیاده ترین چیزیکه دنیا را فاسد می سازد نیمه متکلم، نیمه فقهی، نیمه طیب و نیمه نحوی است. نیمه متکلم ادیان را فاسد و نیمه فقهی شهرها را و نیمه طیب بدنها را و نیمه نحوی زبان را فاسد می سازد. که به زبان عامیانه آنرا نیمچه ملا می گویند، یعنی یک علم را اندکی می داند و کامل نمی داند.

از بدبختی است کسیکه زبان عربی را نداند و چیزی از قرآن را حفظ نداشته باشد و از حدیث خبر نداشته باشد و علم فقه و اصول آنرا نداند خود را در مقام مجتهد و مفتی قرار داده و در مقابل بزرگترین علماء قیام نماید و تصور نماید که امام ابوحنیفه و یا امام شافعی است و بگوید که ابوحنیفه یک مرد بود و من یک مرد هستم، این است بدبختی و هلاکت و تباهی.

فتوا حق هر مسلمان نبوده بلکه از واجبات فقهاء میباشد علمای کرام در مورد دادن فتوا از شدت کار میگیرند و دادن فتوا را حق هر مسلمان نمیدانند و مسلمانان را از دادن فتوا اگر بدرجه مفتی نرسیده باشند منع می کنند. در این مورد مفتی سابق مصر علامه دکتور سید طنطاوی می نویسد:

فتوا مسئولیت بزرگ است و من (مفتی) با اینکه وظیفه ام فتوا است و مسئولیت دار افتاء را دارم و اطلاعات کامل در اجتهادات و نظریات مجتهدین و علماء دارم و قرآن کریم را حفظ و احادیث زیادی را حفظ کرده ام و در اسلام قرآن و احادیث دو مرجع اساسی برای احکام است با آنها هر قضیه که پیش میشود تمام جوانب و ابعاد آنرا مطالعه میکنم و سرعت جواب نمیدهم.

جوانان را توصیه بعدم جواب دادن سرعت و اصدار فتوا میکنم و لازم نیست سرعت و بدون تحقیق و تحقق از مصادر اصیل اسلامی جواب بدهند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در چندین جا ما را از سرعت بجواب دادن منع فرموده اند. علماء و مجتهدین و فقهاء که فقهی ترین مردم بودند از دادن فتوا دوری میکردند زیرا از خداوند سبحانه و تعالی ترس داشتند و دادن فتوا را مسئولیت بزرگ میدانستند.

فتوا حق هر مسلمان نیست بلکه فتوا از واجبات علماء و فقهاء و کسانی که در دین فقاقت دارند میباشد و برای هر حرفه و شغل اشخاص آن است و ما در عصر تخصصات زندگی داریم و نمی شود که از یک انجینر و یا مهندس دعوت کنیم که یک عملیات جراحی را بکند ...

فتوا مسئولیت است و علماء و فقهاء اگر اعضای دار افتاء باشند و یان نباشند و حتی مدرس و یا خطیب در یکی از مساجد حق دادن جواب را دارند و کسی ایشان را از این امر منع کرده نمیتواند لیکن غیر متخصصین را از دادن فتوا منع میکنم و این هم بخاطر مهربانی که برای شان دارم خصوصا در عصری که ما زندگی داریم که عصر فتنه و استعمار فکری است.

در قضایای مهم و اساسی که جامعه را شامل میشود لازم است مجمع علماء و فقهاء در مورد آن جلسات داشته باشند و قضایای مهم جهان اسلام را مطالعه و تدقیق کنند و یک نفر در این موارد فتوا صادر نکند زیرا دین در خدمت قضایای سیاسی و تحقق بخشیدن اهداف دنیوی نیست.

لیکن قضایای متعلق به عبادات و معاملات که در آن نص صریح در اسلام است از حق هر دانشمند و محقق است که احکام آنرا برای مردم توضیح کنند و مفتی و فقهی حق ندارد که استادان و محققین و دعوت کنندگان را از توضیح احکامی که در آن نص صریح در اسلام است منع کند بدلیل اینکه آموختن دین از حق هر مسلمان و دعوت نمودن مردم به دین واجب هر مسلمان است.

نوت: برای معلومات بیشتر مراجعه فرماید « فضل غنی مجددی، بحثهای دینی و فتواهای فقهی، از نشرات فقه اسلامی ».

دكتور يوسف القرضاوى

آب زمزم

معنى آن هر که آنرا بنوشد از نوشیدن آن سیرمی شود .

3. امام احمد و ابن ماجه از جابر این حدیث را روایت کرده اند : « ماء زمزم لما شرب له » علمای حدیث می گویند که این حدیث ضعیف است و البیهقی این حدیث را از طریق جابر روایت میکند . سويد بن سعید این حدیث ذکر را میکند و یحیی بن معین می گوید اگر من کمان و نیزه می داشتم علیه سويد مبارزه می نمودم زیرا روایات او خطر دارد برای حدیث .

4. الدارقطنی از عبدالله بن عباس این حدیث را روایت میکند « ماء زمزم لما شرب له » یعنی آب زمزم را به هر نیت که بنوشید آن نیت بر آورده میشود ، اگر به نیت شفاء باشد خداوند شفاء میدهد ، اگر به نیت رفع گرسنگی باشد خداوند گرسنگی را رفع می سازد ، اگر به نیت رفع تشنه گی باشد خداوند تشنه گی را رفع می سازد . حدیث از قول ابن عباس است و به رسول اکرم نمی رسد و الحافظ در (التلخیص) روایت راوی که این حدیث را به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می رساند می گوید یک روایت شاذ است و مخالف ثقات می باشد . چون این قول ابن عباس است لذا یک رأی شخصی است یعنی رأی عبدالله بن عباس است و ما مجبور به قبول آن نیستیم و قول هیچکس بغیر از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای ما حجت نیست .

5. البزاز از ابی ذر روایت میکند « ماء زمزم طعام طعم و شفاء سقم » آب زمزم طعام و شفاء کامل است . المنذری این حدیث را

عدۀ باین عقیده اند که ممکن است نوشیدن آب زمزم در نتیجه یکجا شدن با مواد ملوث و بکتیریا برای حجاج مضر باشد . و همچنان عدۀ باین باور اند که نوشیدن آب زمزم و حتی مقداری کم از آن برای حاجی واجب است و جزء از مراسم حج میباشد .

سؤالاتی که در باب آب زمزم مطرح شده عبارت اند از : کدام مرجع علمی و طبی حق دارد در مورد آب ها بطور عموم فیصله نمایند و آب را تجزیه و تحلیل نمایند . آیا زمزم قدسیت در دین دارد ؟ آیا نوشیدن آب زمزم واجب یا مستحب برای حاجی است ؟ آیا اگر به اثبات رسید که آب ملوث شده نوشیدن آن لازم است ؟ آیا ممکن است آب زمزم ملوث شود ؟

برای جوابات به سؤالات فوق احادیث را که در مورد آب زمزم روایت گردیده مطالعه و بررسی شده و از باب قیمت علمی و ثبوت و دلالت های آن نزد علمای حدیث و دانشمندان در فهم متن و سند هر حدیث آنها را به بحث می گیریم .

1. امام بخاری در صحیح خود باب مستقل در حج دارد و در این باب ، آب زمزم را می آورد . امام بخاری در فضیلت و برکت آب زمزم هیچ حدیث را نمی آورد و فقط یک حدیث در مورد شستن قلب رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بواسطه زمزم است و حدیث دیگر باین معنی که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از آب زمزم نوشیده اند و از متن هر دو حدیث چیزی گرفته نمیشود که دلالت به فضیلت و برکت زمزم نماید .

2. در صحیح مسلم حدیث که در مورد زمزم روایت شده از ابی ذر است « أنها طعام طعم »

حفظ آن مانع نیست و باید حکومت سعودی همیشه آب زمزم را معاینه لابرتوری نماید و این کار علمی مفید می باشد.

غسل کفن به آب زمزم

بعض مسلمانان کفن را با آب زمزم یکجا می سازند و تصور دارند که آب زمزم در کفن سبب برکت آن میشود.

امام الفرضای در این مورد می گوید:

(1) این مسأله در باب عبادت داخل میشود و عبادت نیست مگر آنچه خداوند شرع کرده نه در قرآن و نهم در سنت آمده که آب زمزم واجب و مستحب است.

(2) نه صحابه و نه تابعین این عمل را انجام داده بودند و صحابه و تابعین بهترین مسلمانان بودند و اگر عقیده میداشتند که زمزم عذاب را کمتر می سازد یقین است که این کار را انجام می دادند.

(3) آب زمزم تنها برای نوشیدن است و دو حدیث مبارک نوشیدن آمده نه غیر آن. « طعام طعم و شفاء سقم » و « ماء زمزم لما شرب له » سنت های عملی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به اثبات میرساند که آنحضرت تنها از زمزم نوشیده اند و در طهارت و غسل و شستن لباس از زمزم استفاده نکرده اند.

(4) نجات در آخرت ارتباط به کفن و آب زمزم ندارد ، نجات در آخرت ارتباط به ایمان و عمل صالح است و خداوند میفرماید: « فمن یعم مثقال ذرة بیره و من یعمل مثقال ذرة شرا بیره » (الزلزلة: 7-8).

مسلمانان اصل دین و اساسات دین را گذاشته اند و خود را در مسائل مشغول ساخته اند که نه فائده به دین دارد و نه به دنیا و اعمالی را انجام میدهند که نه در دنیا به عظمت و ترقی می رساند و نه هم در آخرت.

والله أعلم /

نوت: برای معلومات بیشتر مهربانی نموده به: سایت یوسف الفرضای مراجعه فرماید.

صحیح می داند و همچنان الطیالسی آنها در مسند خود آورده.

این یگانه حدیث در مورد زمزم است که شفاء کامل است. لیکن آیا این حدیث معنی آن این است که زمزم از قوانین عمومی کائینات حفظ می ماند؟ آیا این قول نفی میکند که زمزم با مخلوط شدن با آب دیگر ملوث نمی گردد؟ اگر نتایج معاینات لابرتوری ثابت کرد که آب زمزم ملوث یعنی نا پاک شده یعنی با مکروبات یکجا شده است و نباید کسی آنرا بنوشد ، آیا ما نتیجه لابرتوار را رد نمائیم و قبول نکنیم به دلیل اینکه مخالف حدیث است؟ در حالیکه حدیث قطعی دلالت نیست و ثبوت هم ندارد و بخصوص کلمه (شفاء سقم) در بخاری و مسلم و حتی باقی کتب سنت نیامده است.

نوشیدن آب زمزم نه واجب است و نه یکی از سنت های

حج

دو موضوع را باید در این مورد بدانیم:

اول: نوشیدن آب زمزم از مناسک حج و سنت های آن در هیچ مذهب از مذاهب معروف نزد مسلمانان نیست. از عبدالله بن عمر نقل شده که او در وقت حج از آن نمی نوشید با اینکه عبدالله بن عمر در بین مسلمانان به متابعت از سنت از همه پابندی کامل داشت و از سنت بیرون نمی شد و دلیل نزد او این بود تا مردم تصور و خیال نکنند که نوشیدن آب زمزم از مناسک ، نسک ، حج است.

دوم: آنچه در این مورد گفتیم البته از باب علم بود ، اما زمزم ارتباط در نفس های ما به ذکریات یعنی خاطراتی دارد که از زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام می باشد.

تا امروز بصورت صحیح ثابت نشده که آب زمزم با مکروب یکجا شده باشد و برای حجاج از نوشیدن آن ضرر رسیده باشد اما تحلیلات طبی و لابرتواری برای

فضل غنی مجددی

تفکر معاصر اسلامی

تفکر و اندیشه آدمی منشأ و وسیله رسیدن به کمال معرفت و کشف اسرار کائنات و شناخت خداوند میباشد. فکر سلیم و تفکر سالم اسرار جهان مجهول را کشف و قوانین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای اداره امور زندگی تدوین و جامعه را بسوی رفعت و بلندی و دانش رهنمائی می نماید و از طرف دیگر فکر غیر سلیم مقام انسان را به پائین ترین درجه حتی پائین تر از مقام حیوان میرساند. فکر و عقل ناقد وسیله و آله تمیز و رسیدن به واقعیت های عینی و نفی اکاذیب و تفریق بین حق و باطل میباشد و همچنان منهج فکر سالم و عقل سلیم و ناقد مانع شست و شوئی عقلی می گردد و عقل انسان را از تأثیرات منفی و اکاذیب و غیر واقعیت ها که در عصر حاضر بسرعت توسط میدیا به نشر میرسد حمایت و حفاظت می نماید.

حل مشکلات، برنامه سازی برای آینده، تعبیرات ادبی و زبانی و استدلال منطقی و تحقیقات و بحث های علمی و اکتشافات و اختراعات جدید همه از نتایج و حاصل فکر و تفکر سلیم است. قدرت و تسلط بالای تفکر اساس اول تعلیم و آموختن علوم و همچنان درک مسائل هنری و ادبی و سهم داشتن در ساحة علمی میباشد. موفقیت در امور سیاسی و ادبی و اجتماعی و اقتصادی و روانی و تدوین قوانین مفید برای اداره جامعه و تطبیق عملی آن بصورت عادلانه را فکر سلیم و تفکر سالم و عقل متجدد و ناقد رهبری می کند.

قرآن کریم تکریم و کرامت عالی انسان را نسبت به تمام مخلوقات عقل و تدبر و تفکر و فکر میداند. در سورة البقرة میخوانیم: «و علم آدم الأسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال أنبئوني بأسماء هؤلاء إن كنتم صادقين. قالوا سبحانك لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك

أنت العليم الحكيم. قال يا آدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنباهم بأسمائهم قال ألم اقل لكم إني أعلم غيب السماوات و الأرض و أعلم ما تبدون و ما كنتم تكتمون». (البقرة: 31 - 33).

و خداوند همه اسماء یعنی نام های اشیاء را به آدم تعلیم داد سپس آن اشیاء را بر فرشتگان عرضه داشت و فرمود اسمای این چیزها را بمن خبر دهید، اگر راست میگوئید. فرشتگان گفتند: خدایا! تو پاک و منزهی، ما نمیدانیم جز آنچه که تو ما را تعلیم فرمودی، بی شک توئی دانا { و } حکیم. خداوند فرمود: ای آدم! فرشتگان را بنام های آن اشیاء آگاه ساز پس چون آدم ملائکه را به اسمای آنها خبر داد، خداوند فرمود آیا بشما نگفته بودم که من میدانم غیب آسمانها و زمین را و میدانم آنچه را که شما آشکار می کنید و آنچه که پنهان میداشتید.

محمد الغزالی معاصر «اسماء» را در آیه مبارکه به حروف ابجدی «الف باء» علوم تفسیر میکند و می نویسد: خداوند سبحانه و تعالی قبل از اینکه آدم را بر زمین بفرستد اصول اولیه و حروف ابجدی تمام علوم را بوی آموخت و علت اینکه آدم بر ملائکه برتری یافت فکر و تفکر و علم او بود. الغزالی ادامه داده می نویسد: خداوند بشر را مخاطب ساخته می فرماید: «هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعا....» (البقرة: 29). آن خدائی است که بیافرید برای شما همه آنچه را که در زمین است. آیه مبارکه به صیغه عام و جمع آمده یعنی آنچه در زمین است برای همه انسانها میباشد و مخصوص یک قوم و پیروان دین مخصوص نیست. حروف ابجدی که آدم قبل از آمدن بزمین آموخت مربوط به زندگی و آبادی زمین و کشف اسرار کائنات بود. زمین یک کوكب یا سیاره در بین کواکب است و برای ادامه زنده گی در کره زمین دانش و تفکر برای کشف اسرار کائنات یک

دختر عاقله و بالغه خودش حق دارد نکاح خود را بسته کند یعنی حق دارد نکاح کند و در عقد نکاح دختر و پسر عاقل و بالغ والدین حق ممانعت و مخالفت را ندارند. (فضل غنی مجددی « خانواده در اسلام» فصل نکاح).

تعقل و تفکر و تدبیر چنانکه قرآن و سنت می گوید اساس تکریم مقام انسان است. مسائل سیاسی و حقوقی و اجتماعی و روابط انسانی همه ارتباط مستقیم به فکر و تفکر سلیم دارد. تا زمانیکه مسلمانان از عقل سلیم و فکر عالی پیروی میکردند ستاره های درخشان جهان معرفت بودند امامتاً سفاهه در نتیجه عوامل متعدد که در این تحقیق در مورد آن بحث می شود، مسلمانان به عقب برگشتند و روش تفکر آزاد و منهج علمی را فراموش کردند.

از چند قرن به این طرف در نتیجه عقب گرائی و عقب ماندن امت اسلام در بین امم جهان و تأسیس حکومت های استبدادی و ضعف و ناتوانی علمای اسلام در ساحات مختلف علوم شرعی و انسانی و طبیعی و حتی در مسائل اجتهادی، امت اسلامی در پائین ترین درجه قافله قرار گرفت. عقب گرائی در تمام امور زندگی سبب شد تا کشورهای اسلامی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی و فکری کشورهای غرب قرار گیرند و اکثر کشورهای اسلامی از شمال افریقا تا سرحدات چین مستعمره یکی از کشورهای غرب شود و فکر و اندیشه غرب به عمق بیشتر داخل فکر اسلامی شود که در نتیجه آن فکر معاصر اسلامی از مسیر اصلی اش انحراف و مسلمانان از ناحیه فکری به رکود مواجه شدند.

{ جهت مطالعه بیشتر به : فضل غنی مجددی « روش

فکر معاصر اسلامی» مراجعه فرماید. }

امر حیاتی و حتمی میباشد. کشف اسرار کائنات و آیات یا نمونه های الهی در ملکوت سماوات و ارض به فکر و تفکر احتیاج و ضرورت دارد. (محمد الغزالی « تراثا الفکری» صفحات 17-18).

تفکر و اندیشه سالم اساس و پایه اول مسئولیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی را می سازد و اگر فکر سالم و قدرت تفکر سلیم در انسان نباشد به عبارت دیگر اگر انسان مشکل عقلی و فکری داشته باشد و نتواند صحیح در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دقت و تصرف نماید در این حالت قانون اسلام این شخص را مراقبت و برای اداره سرمایه اش وصی انتخاب میکند.

قرآن کریم در این مورد می فرماید: «و ابتلوا الیتامی حتی إذا بلغوا النکاح فإن آنستم منهم رشدا فادفعوا إلیهم أموالهم» (النساء: 6).

و یتیمان را بیازمائید تا هنگامیکه به سن نکاح رسیدند و اگر از ایشان دریافت رشد نمودید اموال شانرا به دسترس شان قرار دهید. کلمه رشد معنی آن رشد عقلی و فکری است و تا زمانیکه انسان به رشد فکری نرسد حق تصرف سرمایه خود را ندارد.

امام ابو جعفر الطبری در تفسیر آیه مبارکه می نویسد: خداوند سبحانه و تعالی ما را امر میکند تا رشد عقلی یتیمان را در فهم و صلاح دین و مال شان امتحان نمائیم و اگر از رشد یعنی پختگی فهم و ادراک و حسن تصرف شان در سرمایه شان یقین حاصل کردیم اموال شانرا برای شان تسلیم نمائیم در غیر آن باید تصرف شان را زیر نظر داشته باشیم. (الطبری، محمد جریر «تفسیر الطبری» تحقیق احمد محمد شاکر و محمود محمد شکر، القاها دار المعارف، 1971 جلد 7، صفحات 574-578).

امام ابو حنیفه در عقد نکاح سلامت عقل و فکر سلیم دختر و پسر را از شروط عقد نکاح میداند و میگوید:

و حکومت و حکمیت قسمت دوم این تحقیق است . مهمترین موضوع بحث در این تحقیق مسأله قبول حکمیت از طرف حضرت علی کرم الله وجهه است و تحقیقات جدید به اثبات میرساند که حکمیت به مضمون و شکلی که در کتب تاریخ آمده صحت ندارد. در این تحقیق سیاست خلفای راشدین و برنامه های اجتماعی و اقتصادی دولت اسلامی بحث و عوامل شهادت حضرت عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم و دستهای عقب پرده و نقش استخبارات خارجی در شهادت خلفای راشدین و زعمای سیاسی دولت اسلامی برای اولین بار توضیح داده می شود .

قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست برای داخل امریکا شش دالر میباشد و مصارف پست برای اروپا 32 دالر است و نظر به قیمت مصارف پستی از فرستادن کتاب به اروپا صرف نظر میشود . کتاب را از آدرس فقه اسلامی که در پائین است میتوانید دریافت نماید .

فرهنگ و ثقافت اسلامی

(ویب سایت فقه اسلامی)

www.Islaminfo.one

بعد از ماه آینده هموطنان عزیز ما در افغانستان و کانادا و استرالیا و تمام کشور های اروپائی میتوانند فقه اسلامی را مستقیماً از سایت فرهنگ و ثقافت اسلامی بدست آورند .

ادامه نشرات اسلامی ضرورت به کمک مادی و معنوی شما خواهران و برادران دارد و امید است مثل گذشته به کمک های خود ادامه بدهید تا انجمن فقه اسلامی بهترین خدمت را برای ارتقاء فرهنگ و ثقافت اسلامی کرده بتواند . در اخیر از دعای خیر فراموش نسازید .

روش فکر معاصر اسلامی

تألیف : فضل غنی مجددی

روش فکر معاصر اسلامی تحقیق کاملاً جدید و برای اولین بار بزبان دری به طبع میرسد . این کتاب که در 510 صفحه میباشد مشکلات فکری معاصر مسلمانان را بحث میکند . در آغاز مطالعات شرق شناسی و شرق شناسان بحث شده تا هموطنان عزیز از نقش غرب در تغییر روش فکر معاصر مسلمانان معلومات ابتدائی داشته باشند. تأثیرات فکر غرب ، روش فکری و نظام سیاسی و ادبی مسلمانان را فوق العاده متأثر ساخته است و تأثیرات فکر غرب عامل خارجی در انحرافات فکری و عقب گرائی مسلمانان میباشد .

حرکت های اصلاحی و مقاومت فکر استعمار غرب موضوع دیگر این بحث است . در قسمت سوم فکر اسلامی و مدارس فکری اسلامی بحث شده است . در قسمت چهارم فکر معاصر اسلامی در مسائل سیاسی بحث گردیده و مهمترین موضوع در این قسمت عبارت است از : فقه سیاسی ، فقه اطاعت و فقه متغلب . قسمت پنجم حقوق انسان در روش فکر معاصر اسلامی را به بحث می گیرد . قسمت هفتم آزادی رأی ، مطبوعات ، عقل ، فکر و اعتقاد و دین را بحث می نماید و قسمت هشتم تحت عنوان زن در روش فکر معاصر اسلامی است . تغییر فرهنگ و ثقافت اسلامی به فرهنگ و ثقافت نامعقول و رسیدن مسلمانان از معقولیت فکری و فرهنگی و کلتوری به نامعقولیت مهمترین موضوع در این تحقیق میباشد . مطالعه این کتاب برای جوانان افغانستان یک ضرورت است . قیمت کتاب 25 دالر و مصارف پستی داخل امریکا 6 دالر و برای خارج امریکا 32 دالر میباشد . و قیمت پستی برای هر دو کتاب یک اندازه است .

عصر نبوت و خلافت راشده

(1 — 40 هجری)

تألیف : فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 425 صفحه به روش معاصر از طرف انجمن نشرات فقه اسلامی بخدمت هموطنان گرامی تقدیم میشود . ضرورت دولت در فرهنگ اسلام و بحث روی اینکه آیا دولت مقدم است یا دعوت قسمت اول این تحقیق میباشد . حاکمیت خداوند در کائنات و تفاوت بین حاکمیت

آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539

U.S.A

Tel (510) 979 - 9489

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

islaminfo.one